تاملی در باب نظرسنجی

یعقوب زاده، رحیم

هنگامی که سه مرکز نظرسنجی به طور همزمان اقدام به نظرسنجی در خصوص یک‏ موضوع با استفاده از یک پرسشنامه واحد نمودند هیچ‏کدام نمی‏دانستند که نتایج اقدام‏ آنان تبدیل به یکی از بحث‏انگیزترین مسایل سال خواهد شد و بدین ترتیب نظرسنجی را که در کشورمان رو به تزاید و ترویج بود را با بحرانی که هیچ‏گاه در تاریخ پژوهشی‏ ایران سابقه نداشته است مواجه می‏کند.

ماجرا از انتشار نتایج یک طرح نظرسنجی بر روی تلکس خبرگزاری ایرنا آغاز شد. نظرسنجی مزبور به سفارش کمیسیون امنیت خارجی مجلس توسط سه مرکز خرد، پژوهش افکار عمومی و مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران انجام شد.بر اساس آن‏ آمار و ارقامی ارایه شد که مردم را اغلب موفق و خواهان مذکاره با آمریکا می‏دانست. این امر بلافاصله اعتراضات و واکنش‏هایی را برانگیخت که بازتاب آن تا ماه‏ها ادامه‏ داشت برخی اعتقاد دارند زمانی که کشور مواجه با یک تهدید خارجی است انتشار این‏ نتایج،کشور را در موضع ضعف قرار می‏دهد.لازم به یادآوری است حساسیت در برابر انتشار نتایج برخی نظرسنجی‏ها در برهه‏هایی خاص در اغلب کشورهای‏ دموکراسی دنیا نیز وجود دارد و بعضا از انتشار آنها جلوگیری می‏شود ماجرای مربوط به موسسات نظرسنجی و انتساب اتهاماتی مبنی بر نظرسازی و در نهایت توقیف دو موسسه فعال نظرسنجی یکی از نتایجی را که به بار آورد سر زبان‏های انداختن تحقیق نظر سنجی بود در کشور ما با انقلاب بهمن 1357 و بدنبال آن استقرار نظام جمهوری اسلامی‏ و ضرورت توجه بیشتر به نهادهای دموکراتیک از جمله مباحثی که سرلوحه شعارهای‏ مسوولان قرار گرفت لزوم بهره‏گیری از آرا و افکار عموم مردم جامعه بود.اما در عمل‏ چقدر به این مساله بها داده شده است؟آیا نظرات مردم توانسته است بر مسوولان‏ کشورمان تاثیر لازم را بگذارد؟سهم افکار عمومی در جامعه امروز ایران چقدر است؟ اصولا افکار عمومی چیست و راه‏های شناخت آن کدام است؟در نظر است در نوشته حاضر به این سوالات پاسخ داده شود.افکار عمومی( Public opinion )یکی از جنجالی‏ترین‏ موضوعات در علوم اجتماعی است که از دو واژه‏ poll (نظرخواهی)و Public (عمومی،عامه)گرفته‏ شده است.افکار عمومی برخاسته از ضمیر باطن‏ یک ملت و نوعی واکنش مردم است نسبت به‏ موضوعی که در سرنوشت آنها تاثیر می‏گذارد این واژه در اصل( Doxa )به معنی نظر بوده است.

آلن بیرو در تعریف آن می‏نویسد:افکار عمومی عبارتند از«طرز تلقی و واکنش جمعی‏ و مشهود اکثریت افراد یک جامعه در مقابل رویدادهای اجتماعی که اغلب مهم تلقی‏ می‏شوند.»

گابریل تارد که او را بنیانگذار افکار عمومی علمی می‏دانند درباره آن می‏گوید:

«افکار عمومی داوری توده‏های مردم درباره مسایل روز است»به عبارتی دیگر افکار عمومی نظرات اکثریت مردم را در یک زمان معین نشان می‏دهد.هنگامی که‏ مساله‏ای برای مردم مهم باشد و با منافع آنها ارتباط پیدا بکند افکار عمومی شکل‏ می‏گیرد،ممکن است بر اساس پیش‏داوری باشد و یا از شایعه تاثیر بپذیرد.

مطالعه افکار عمومی و شناخت آن که ارتباط نزدیکی به شناخت مردم دارد.از قرن‏ها پیش مورد توجه سیاست‏گذاران(اجتماعی،سیاسی،فرهنگی و اقتصادی)بوده است. به دنبال آن از ده‏ها سال پیش در کشورهای مردم‏سالار جهان تبدیل به یک مساله موثر و با ا همیت شده است و مردم و حکومت‏های این‏گونه کشورها هر روز جایگاه والاتری‏ برای آن قایل می‏شوند در وابع باید گفت این‏گونه کشورها همواره بر اساس نظرات‏ مردم به تصمیم‏گیری می‏پردازند و یا اقدامات خود را اصلاح می‏نمایند.آگاهی از افکار عمومی مردم از مهمترین نیازهای هر دولت است آنان به خوبی می‏دانند که افکار عمومی‏ در یک سیستم دموکراتیک می‏تواند شخص یا گروهی را بر قدرت بنشاند و یا از آن خارج‏ سازد.در حکومت‏های مردم‏سالار اطلاع از این که مردم به چه فکر می‏کنند و نظراتشان‏ نسبت به مسایل چگونه است از اهمیت زیادی برخوردار است.چرا که بدین وسیله‏ نهادها،سازمان‏ها،موسسات،کارخانجات و شخصیت‏ها به مقبولیت خدمات خود پی‏ می‏برند و از طریق بازسازی خود یا گاه با نفوذ بر افکار عمومی آن را جلب و یا به سمت‏ منافع خود سوق می‏دهند.

افکار عمومی در یک زمان خاص و تحت شرایط متغیر اجتماعی ایجاد می‏شود.که غالبا از طریق ابراز عقاید و افکاری که صریحا و علنا ابراز می‏شود شروع می‏شود و سپس دهان به دهان در میان افراد جامعه بازگو می‏گردد،ممکن است زمینه عقلانی یا احساسی داشته باشد،دیوید هیوم فیلسوف انگلیسی تا بدان حد افکار عمومی را موثر می‏دانست که معتقد بود«افکار عمومی شکل‏دهنده دولت‏ها است».

در خصوص اینکه چه عواملی باعث شکل‏گیری افکار عمومی می‏شوند تا کنون‏ نظرات مختلفی مطرح شده است؛«لازارسفلد»و«ماکس وبر»افراد مطلع یا گروه‏های مرجع‏ را عوامل پیدایش افکار عمومی می‏داند اما«ماکس وبر»نقش رهبران کاریزماتیک را در این مقوله با اهمیت تلقی می‏کند.برخی نیز«سهم شایعه را در تشکیل افکار عمومی‏ انکارناپذیر دانسته‏اند»احزاب سیاسی نیز سهم به‏سزایی در شکل‏دهی افکار عمومی‏ دارند و در فقدان احزاب سیاسی فعال و موثر،وسایل ارتباط جمعی،رهبران با نفوذ، اماکن مذهبی مانند مسجد هستند که افکار عمومی را شکل می‏دهند.

هر چند ابداع مفهوم افکار عمومی را به ژان ژاک رسو نسبت می‏دهند اما پیشینه افکار عمومی به قدمت تشکیل اجتماعات انسانی است،توسعه دموکراسی،صنعتی شدن، افزایش امکانات و سطوح آموزشی و گسترش ارتباطات جمعی باعث توجه بیشتر به‏ افکار عمومی در دنیا شده است در جوامع مختلف از جمله در کشور خودمان افکار عمومی بارها توانسته است شخص یاگروهی را بر سر کار بیاورد و یا از قدرت کنار بنشاند.اگر افکار عمومی با سیاست‏ها و برنامه‏های کلان مسوولان همنوایی نداشته‏ باشد،بدون تردید امکان توفیق آنان بسیار کم خواهد شد.اهمیت افکار عمومی و تاثیر آن‏ باعث شده است تا در جهت شناخت آن گام‏های موثری برداشته شود علی الخصوص در سال 1933 با تاسیس موسسه سنجش افکار در آمریکا اقدامات عملی در این زمینه به کار گرفته شد.قبل از این«روش‏ها شناخت بیشتر بر اطلاعات موجود،نامه‏های‏ شهروندان و مطالب روزنامه‏ها استوار بود».نظرسنجی یکی از معمول‏ترین شیوه‏های‏ سنجش اطلاعات است.نیازها و کمبودهای هر جامعه،با تحقیق و نظرسنجی روشن‏ می‏شود.بدین وسیله اندیشه‏ها و افکار پنهان جامعه به سطح آورده می‏شوند.اصطلاح‏ نظرسنجی در جامعه‏شناسی( kap snidy )خوانده می‏شود نظرسنجی سعی دارد که‏ افکار عمومی را درباره مسایل مختلف برای مسوولان و نهادهای مربوط نشان دهد و اطلاعات لازم را برای تصمیم‏گیری در اختیارشان قرار دهد و ارتباطی بین مردم و مسوولان باشد.نظرسنجی‏ها نشانگر میزان علایق و دیدگاه‏های مردم یک کشور راجع‏ به موضوعات مختلف است.این حرفه امروزه تبدیل به یک صنعت شده است و از این‏ طریق بسیاری از پژوهشگران و علاقه‏مندان خصوصا دانشجویان به تجارب عملی برای آشنایی با روش تحقیق دست می‏یابند و حتی به‏ کسب درآمد می‏پردازند.

نظرسنجی در دوران معاصر تبدیل به یکی از منابع عمده درآمد در مؤسسات تحقیقاتی و از ابزارهای مهم مورد استفاده تصمیم‏گیران و صاحبان اندیشه شده است.

از خصوصیات این روش آن است که در محیط طبیعی انجام می‏پذیرد و معمولا اطلاعات در یک زمان کوتاه گردآوری می‏شود گرچه‏ در کشور ما نیز مراکز تحقیقاتی معتبری برای نظرسنجی درباره مسایل و ریدادهای‏ مختلف جامعه تاسیس شده است.امّا نظرسنجی‏ها در عمل معمولا بامشکلاتی مواجه‏ هستند.مشکلات حاصل از جنبه‏های فنی و روش‏شناسی،اوضاع و شرایط موجود در جامعه،حساسیت نسبت به نظرسنجی در بین مردم،بی‏توجهی و اهمیت نداشتن افکار عمومی برای مسوولان و مردم،ضعف در توجیه مردم در خصوص پژوهش به طریق‏ نظرسنجی و یا موضوع مورد بررسی،استفاده از شیوه نمونه‏گیری و روش‏های آماری‏ که اگر غلط باشد ممکن است نتایج علطی را به بار بیاورد.از سوی دیگر نتایج نظر سنجی‏ها زمانی قابل اطمینان و اعتبار است که محدودیتی در مقابل بیان افکار وجود نداشته باشد زمانی که در جامعه فشار بر افکار وجود داشته باشد مردم با احتیاط ناشی‏ از ترس نظراتی می‏دهند که ممکن است با مکنونات قلبی آنها فاصله داشت باشند.لهذا در این گونه موقع نتایج نظرسنجی‏ها با واقعیات فاصله دارند و به عبارتی ما را فریب‏ می‏دهند نتایج نظرسنجی‏ها در موسسات معتبر نظرسنجی با واقعیت معمولا نسبت 2+ یا 2-به دست میآید.در نظرسنجی‏های راجع به انتخابات ممکن است با گذشت هر ساعت‏ نظرات مردم تغییر یابد و نظری را که مثلا دیروز ابراز کرده‏اند بر اثر پیشامد و تبلیغات‏ کاندیداها،امروز کاملا تغییر کند.استوتزل می‏گوید:«اقلیت امروزی می‏تواند،اکثریت‏ فردا باشد،زیرا تفسیر در نظر وجود دارد.چرا که تغییرات اجتماعی وجود دارد»یکی از نظریه‏های معروف در حوزه افکار عمومی نظریه مارپیچ سکوت می‏باشد که بر اساس‏ آن وقتی بیشتر مردم از هم‏فکری یکدیگر در یک مورد ناآگاه باشند باعث خودنمایی‏ اقلیت می‏شود و به تدریج نظر اکثریت خاموش می‏شود.

گراویتس می‏گوید که«موسسات نظرسنجی به تقاضای کسانی پاسخ می‏دهند که به‏ آنها دستمزد می‏دهند این وابستگی بخش مهمی از آزادی عمل آنها را سلب می‏کند»در عوض گالوپ،«افکار عمومی را آن چیزی می‏داند که نظرینجی‏ها را اندازه می‏گیرند«». با این حال گراویتس در جای دیگر در صددد دفاع از نظرسنجی بر می‏آید و در مقابل‏ کسانی که«نظرسنجی را نوعی جادوگری و پیش‏بینی می‏دانند»،می‏گوید،«پیش‏بینی‏ مستلزم این است که نظرات ثبات داشته باشند در حالی که این‏طور نیست اگر می‏بینیم که نظرسنجی‏های روز به روز زیاد می‏شوند به این دلیل است که امکان می‏دهند خلا ارتباطی‏ میان حکام و مردم پر شوند»مارکسیست‏های پیرو مکتب فرانکفورت نیز نظرسنجی را امر عالمانه و ماهرانه می‏دانند.

برخی دیگر،معتقدند که«روش نظرسنجی»تنها جنبه‏های خاصی از باورها و کنش‏های مردم را بررسی می‏کند تا اینکه به بررسی زمینه و بستر آنها بپردازد.

حتی گفته می‏شود ممکن است پاسخ‏های پاسخگویان در یک نظرسنجی بیشتر حالت‏ واکنشی باشد تا بیانگر گرایش واقعی آنها

از دیگر انتقادات وارده به نظرسنجی همانا توجه به جنبه‏های خاصی از باورها و کنش‏های مردم و درآمیختن مسایل خبری با مسایل اساس و بنیادی است.مسلم آنست‏ که افراد جامعه به دلایلی ممکن است نظراتشان تغییر یابد و به عنوان مثال نظری را که‏ دیروز ابراز کرده‏اند برای پیشامدهای واقعی امروز کاملا تغییر کند.

اما در مقابل این انتقادات گروهی دیگر به تعریف و تمجید از نظرسنجی می‏پردازند نظیر آن که اگر روش‏های آماری،دقیق و درست باشد هیچ‏گونه مشکل حادی در افکارسنجی پیش نخواهد آمد.

اگر پرسش‏ها به گونه‏ای تدوین شود که شبهه‏ای ایجاد نکنند و یا به گونه‏ای نباشد که پاسخ‏ها را به سمت حمایت از گروه و یا موضوع خاصی سوق بدهند.تحقیق را با خطا مواجه نمی‏کند.

دسته‏ای از محققی تکثرگرا،رابطه افکارسنجی و تصمیمات اتخاذ شده به وسیله‏ سیاست‏گذاران را چنان هم‏بسته می‏بینند که ادعا می‏کنند امروزه سیاستمدارن‏ دیگر نمی‏توانند به روشنی در جهت مخالف افکار عمومی حرکت کنند.

باید اذعان داشت نظرسنجی مراحل مختلفی دارد که ممکن است در هر کدام از این‏ مراحل بعضا خطایی رخ بدهد و به اشتباه در نتیجه‏گیری منجر شود این ایرادات ممکن‏ است در مرحله طرح سولات رخ بدهد و یا در مرحله جمع‏آوری اطلاعات که مثلا پرسشگران برخی پرسشنامه را خودشان تکمیل بکنند و به پاسخگویان مراجعه نکنند اما موسسات نظرسنجی معمولا سعی می‏کنند حداقل در مراحل اجرایی با استفاده از نظارت و کنترل پرسشگران چنین خطاهایی را به حداقل برسانند.در حال حاضر آنچه‏ بیشتر می‏تواند بر نتایج یک نظرسنجی تاثیر بگذارد و گاه آن را از واقعیت دور سازد همانا شرایط موجود در جامعه و احتیاط و محافظه‏کاری است که در دوره‏های زمانی‏ خاصی بر مردم حاکم می‏شود و در ابراز نظراتشان محتاطانه عمل می‏کنند.

اسنورسینگر با تمجید از امر نظرسنجی می‏گوید:«نظرسنجی‏ها هر چه قدر هم برای‏ اندازه‏گیری افکار عمومی منحرف‏کننده یا کم حاصل باشند از هر وسیله اندازه‏گیری‏ دیگری که در اختیار داریم بهتر هستند.چرا که تنها در این صورت است که نظرات‏ مردم که به دلایلی ابراز نشده‏اند می‏توان دست یافت».نظرسنجی‏ها امروزه به عنوان یکی از عوامل تعیین‏کننده در توسعه به شمار می‏آیند حتی«توسعه سیاسی را در کشور تثبیت می‏کند»نظرسنجی‏ها در اغلب موارد نشان دهنده واقعیت هستند نه ساختن آن و این که نظرسازی را به جای نظرسنجی بنشانند ظلم به نظرسنجی است.نظرسنجی‏ها در ده‏ها سال اخیر یکی از ارکان ا صلی دموکراسی بوده‏اند کشورهای مردم‏سالار جهان‏ همواره بر اساس مشارکت به تصمیم‏گیری و یا اصلاح تصمیماتی خویش می‏پردازند.

در کشورمان نخستین سرشماری جمعیتی درسال 1335 انجام شد.موسسه‏ مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال 1337 شروع به کار نمود و پس از آن مراکز نظرسنجی متعددی در ایران تاسیس شد رسانه‏ها نیز به این امر پرداختند.از جمله تلویزیون ملی ایران در سال 1345 واحد سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی را ایجاد نمود که اکنون در صدا و سیما به فعالیت خودادامه می‏دهد.روزنامه ایران برای اولین‏ بار در بین مطبوعات اقدام به تشکیل گروه نظرسنجی نمود و با استفاه از این شیوه‏ طرح‏های بسیاری را اجرا نموده است و نتایج آن را منتشر کرده است.در سال‏های اخیر افکارسنجی به طرز چشم‏گیری رو به رشد بوده است.

اما اغلب مردم با نظرسنجی آشنا نیستند آنها هم که می‏دانند اهمیت اندکی برای آن‏ قایلند بعضی از مردم از نظرسنجی به عنوان یک امر بیهوده و بی‏فایده یاد می‏کنند.آنها معتقدند این نظرسنجی‏ها هیچ‏گونه تاثیری در مسوولان ندارند و دردی از مردم دوا نمی‏کنند.برخی از مردم نیز همواره از پاسخ به سولات امتناع می‏ورزند و یا آنکه با احتیاط و دور از نظرات واقعی خودشان اظهار نظر می‏کنند.متاسفانه سنجش افکار عمومی در جامعه ما جایگاه واقعی خویش را نیافته است و هنوز برخی از سیاستمداران‏ از نظرسنجی به عنوان ابزاری برای اثبات نظرات خویش استفاده می‏کنند.

صرف نظر از این وقایعی که در سال گذشته در خصوص پیش آمده است باید گفت- هر جامعه‏ای همواره نیازمند پژوهش برای آگاهی از نگرش‏ها،اطلاعات و رفتار مردم‏ چه به شکل فردی و چه جمعی است.جامعه ما نیز شدیدا نیازمند پژوهش برای آگاهی‏ یافتن از نگرش‏ها و رفتار مردم می‏باشد تا بر اساس آن تصمیمات به نحو صحیح اتخاذ شود.

تنها با تحقیق و پژوهش می‏توان پیش از آنکه مشکلات و نارضایتی‏ها افزایش یابد آن‏ را مورد شناسایی قرار داد و بدین ترتیب با تدبیر لازم در جهت حل و یا رفع آنها کوشید.

بستن و زیر سوال بردن مراکز نظرسنجی باعث پژمردن روح تحقیق در جامعه و کاهش اعتبار امر نظرسنجی ومنزلت افکار عمومی می‏شود.

مردم ما اغلب در بیان مکنونات قلبی خود دچار احتیاط و یاکتمان می‏شدند.اما با این‏ شرایطی که پیش آمده است دیگر نمی‏توان به آسانی از نظرات مردم در قالب افکارسنجی‏ که از شیوه‏های رایج و قابل اتکا می‏باشد،جویا شد.

این نکته را همواره باید مدنظر داشت که تحقیق نیازمند شفافیت و اجتناب از استتار حقیقت است و با نظرسنجی می‏توان به برخی نظرات مردم که به دلایلی ابرازنشده‏اند دست یافت و از بروز برخی مسایل قبل از آنکه در اثر ناآگاهی حکومت‏ها تبدیل به بحران‏ شود جلوگیری نمود.